

متن پرسش

بسمه تعالی . . . سلام علیکم استاد عزیز. . . بنده همون جوانم که تغییرم دادید(سوال ۲۲ ۳۵)،استاد همه اون زمان، تغییر منو محال و معجزه دونستن ما قدر ندونستیم،الحمد لله جواب اون سوالم که فرمودید شب قدر ۲۳ به ما رسید و برای ما ساخت و تکمیل شدیم و انشاءالله منتظریم ببینیم عید فطر چی قراره بدن. . . ولی استاد یه چی هست اونکه یه غمی اومده تو دلمون از بقیه ماه رمضان که داره تموم میشه نمیدونیم بعدش چیکار کنیم،یعنی میمونه نیممونه راستش این دعای ۴۵ رو که فرازاش رو میخونیدیم دیدیم راسته والا. . . خلاصه استاد یه چیزی بگید ببینیم با این غم باید چه کنیم؟چه کنیم که بعدش بتونیم شکمو دست بگیریم،زبونو کنترل کنیم،تحملو زیاد کنیم و . . . از بقیه برکات ماه برامون دائمی بشه؟اگر منبع مطالعاتی هست بفرمایید؟(استاد وقتی جوابمون رو میدید این دلمون با بعضی حرفاتون صفا میشه،وقتی رو جوابتون فکر میکنیم میبینیم انگار این جواب قبلش تو دلمون بود اما توجه نداشتیم. . . استاد وقتی جامعه رو گرفتن ازمون به شدت ناراحت شدیم و با خدا درگیر شدیم،آقا رو تحدید کردیم که دیگه جامعه نخونیم خب استاد سخته بخدا بگیرن،به درو دیوار میزنید تا بخونید اما نمیشه،البته نه اینکه ایشون محتاجن،خواستیم ارواح عممون این بحر رحمت دل آقا رو به جوشش در بیاریم تا اینکه شب قدر که سخنرانی ۴۰ حب اهل البیت رو گوش دادیم رسیدیم به اینکه و " بالمومنین رعوف رحیم" آره میدونستیم،اما اون شب با اون جواب شما و اون بخش از ابوحمزه که فرمودید و یه فراز از ابوحمزه انتخاب کردیم که در این فراز از قضا همون حرف شما بود. . . دیگه آخر شبمون ساخته شد و شرمندگی گرفت تمام وجودمون رو و سوختیم از بی غیرتی. . . خدا کنه انشاءالله خداوند به حقیقت صاحب الامر علیه السلام برای تمام مسلمانان جهان بهترین تقدیر رو رقم بزنه از جمله شما استاد عزیز و بقیه علماء و بخصوص رهبر عزیزمون و انشاءالله نظام اسلامی رو برای ما حفظ کنه. . .) موفق باشید.

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: حفظ روحانیت ماه رمضان با ورع ممکن است و ورع به آن معنی است که نه تنها از گناهان فاصله بگیریم، از شبهات نیز باید فاصله بگیریم. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ أَشَدَّ الْعِبَادَةِ الْوَرَعُ» سخت‌ترین عبادت ورع است. معلوم می‌شود «ورع» چیزی بالاتر از عمل به اعضاء و جوارح است، بلکه باید در سخت‌ترین میدان که میدان قلب است وارد شد و در آن حوزه عمل نمود و شخصیت خاصی را برای خود شکل داد. در واقع «ورع» بیش از آن که یک عمل باشد ایجاد یک

«عالمی» است برای خود که خصوصیات خاص خود را دارد. حضرت صادق علیه السلام برای رسیدن به عالم «ورع» می‌فرماید: «الْمُتَوَرِّعُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثَةِ أَصُولٍ، الصَّفْحِ عَنِ عَثْرَاتِ الْخَلْقِ أَجْمَعِ وَ تَزَكِي خَوْضِهِ فِيهِمْ وَ اسْتِوَاءِ الْمَدْحِ وَ الذَّمِّ» شخصی که اهل ورع است باید سه اصل اساسی را رعایت کند، از لغزش‌های مردم کاملاً چشم‌پوشی کند، در امور مردم دخالت و تجسس نمی‌کند و مدح و نکوهش مردم برایش مساوی است. حضرت در ادامه می‌فرماید: «أَصْلُ الْوَرَعِ دَوَامُ الْمَحَاسَبَةِ وَ صِدْقُ الْمُقَاوَلَةِ وَ صَفَاءُ الْمُعَامَلَةِ وَ الْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ شُبْهَةٍ وَ رَفُضُ كُلِّ عَيْبَةٍ وَ رِيْبَةٍ وَ مُفَارَقَةُ جَمِيعِ مَا لَا يَغْنِيهِ وَ تَزَكِي فَتْحِ أَبْوَابِ لَا يَدْرِي كَيْفَ يُغْلِقُهَا وَ لَا يُجَالِسُ مَنْ يُشْكِلُ عَلَيْهِ الْوَاضِحُ وَ لَا يُصَاحِبُ مُسْتَخْفِيَالِدِّينِ وَ لَا يُعَارِضُ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَا يَحْتَمِلُ قَلْبُهُ وَ لَا يَتَفَهَّمُهُ مِنْ قَائِلٍ وَ يَقْطَعُ مَنْ يَقْطَعُهُ عَنِ اللَّهِ» اصل ورع آن است که انسان همواره به حساب خود برسد و راست سخن بگوید و ارتباط خود را با مردم نیک سازد، از شبهات دوری کند، شک و شبهه و عیبها را از خود جدا سازد، از هرگونه لغوی خودداری نماید، درهائی را به روی خود باز نکند که بعد نتواند آنها را ببندد، با کسی که او را خوب نمیشناسد همنشین نگردد. با کسانی که دین را سبک بشمارند رفاقت نداشته باشد، در مسائلی که تحمل آن را ندارد و دلش آنها را قبول نمکند معارضه نداشته باشد، اگر سخنی را از گویندهای نفهمید با او مخالفت نکند و گفته‌ی کسی را که از خدا قاطعانه سخن مگوید بشنود. وقتی انسان در چنین عالمی که روایت فوق متذکر آن است قرار گرفت، در عالم «ورع» وارد شده و نتیجه‌ای نصیب او می‌شود که همه‌ی اسلام برای تحقق آن نتیجه آمده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ لَقِيَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَرِعاً أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الْإِسْلَامِ كُلِّهِ» هرکس در حالی که دارای ملکه‌ی «ورع» است، خدا را ملاقات کند خداوند ثواب تمامی اسلام را به او عطا می‌فرماید. به همین جهت حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْوَرَعِ» بر شما باد که «ورع» پیشه کنید زیرا به دست نمی‌آید آنچه نزد خدا است مگر از طریق «ورع». این یک قاعده است که با «تمرکز» بر پاکی‌ها و نظر به عالم معنویت و دوری از گناه، آرام‌آرام ملکه‌ی ورع در جان انسان ظهور می‌کند. «ورع» بالاتر از تقواست و حالتی از حذر است که اگر در انسان شکل گرفت او را بسیار محتاط می‌نماید تا آنجا که نه تنها از گناه که حتی از شبهه هم بیمناک و فراری است و حریمی را در اطراف خود ایجاد می‌کند که روایات در وصف آن به سپر نام برده‌اند و امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می‌فرماید: «الْوَرَعُ جُنَّةٌ مِنَ السَّيِّئَاتِ» ورع همچون سپر است در مقابل گناهان و زشتی‌ها. در حالی که برای تقوا تعبیر لباس را به کار می‌برند و می‌فرمایند: «لِبَاسُ التَّقْوَى» یعنی تقوا لباس است. اصل قضیه از این قرار است که ابتدا باید با تمرکز و توجه قلب بر روی وظیفه و اوامر و نواهی الهی، روحیه‌ی نگهداری خود از لغزش‌ها در ما ایجاد شود. اگر توجه انسان بر روی حرام الهی شدید شد و مواظب بود گرفتار گناه نشود آرام‌آرام ملکه‌ی «ورع» در او ظهور می‌کند. ورع دریچه‌ای است بسیار متعالی و آنچنان انسان را از حجاب‌های بین خود و پروردگارش آزاد می‌کند که تا ملاقات خداوند و نظر به اسماء حسنا و جلوه می‌برد. تا تمرکز قلبی و روحیه‌ی نگهبانی از خود نسبت به محارم الهی در انسان پیدا نشود، «ورع» شروع نمی‌شود در همین رابطه در حدیث قدسی داریم:

«ابْنِ آدَمَ اجْتَنِبْ مَا حَرَّمْتُ عَلَيْكَ تَكُنْ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ» ای فرزند آدم! از آنچه بر تو حرام شده اجتناب کن تا با ورع ترین مردم باشی. یک وقت ممکن است ما قالب و صورت ظاهری گناهان را بشناسیم و انجام ندهیم، مثل آن که دزدی نمی‌کنیم، ولی یک وقت دل ما بر دوری از گناه تمرکز دارد و از خود طوری نگهبانی می‌کند که به گناه نزدیک نشود، در این حالت است که «ورع» ظهور می‌کند. با توجه به مجموعه‌ی روایات می‌توان این طور نتیجه گرفت که «ورع» آن توانایی و قدرتی است که به توفیق حق، اجتناب از گناه و دوری از محرّمات را در نفس انسان پدید می‌آورد تا انسان بتواند در ساحت آن ورع، مراتب ترقی و کمال را با سرعت طی کند و به کسب فضائل بیشتری نائل آید و به مقام قرب الهی برسد. موفق باشید.